

پژوهشی در شناخت نقش ناشناخته پریشو

فریدون آورزمانی

دکتری باستان شناسی، پژوهشکده نظر

f.avarzamani@yahoo.com

چکیده

در سال ۱۳۸۳ نقش برجسته‌ای نزدیک دریاچه پریشان کشف شد و در فهرست آثار ملی ثبت شد. مشخصات این سنگ‌نگاره، آن را به دوران ساسانی نسبت می‌دهد. از آنجا که علل ایجاد این نقش و موضوع آن تاکنون بررسی نشده است، نقش مذکور مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با دیگر سنگ‌نگاره‌های ساسانی و سکه‌های این عصر مطابقت داده شد، از آنجا که در حوالی این سنگ‌نگاره‌ها نیزار و دریاچه وجود دارد و نقش بر بلندای کوه قرار گرفته و تصویر زنی را نشان می‌دهد، می‌توان نتیجه گرفت که نقش مربوط به آناهیتا ایزد بانوی آب‌هاست که همچون دیگر نقش برجسته‌های ساسانی در جوار چشمه، رودخانه و در ارتباط با آیین آنان است. آناهیتا فرشته نگهبان آب‌ها و مظهر برکت و فراوانی در باور ایرانیان باستان بوده است.

واژگان کلیدی

آب، دریاچه، تقدس آب، آناهیتا، نقش برجسته، ساسانی.

مقدمه

ناشیانه برخی از این نقوش در گوشه و کنار ایران و سرزمین فارس قابل رؤیت بوده که بیشتر نشانگر صحنه‌های شکار و هم‌نشینی شاه و شاهزادگان است.

این مقاله به بررسی و شناخت دقیق نقش برجسته‌ای پرداخته که در دهه اخیر در استان فارس و در شعاع شهر باستانی بیشابور و قلمرو شهر کازرون در کنار دریاچه پریشان، توسط یکی از دوستداران فرهنگ و هنر ایران معرفی شده، اما ماهیت و زمان خلق این اثر به دست فراموشی سپرده شده است.

در فرهنگ دیرپای ایران زمین نقش برجسته‌ها به مثابه اوراق مصوری از تاریخ و هنر این سرزمین محسوب می‌شوند که از سپیده‌دم تاریخ تا دوران ساسانیان به شکل چشم‌گیری تداوم داشته‌اند. در ناحیه فارس سنگ‌نگاره‌هایی از دوران ایلام کهن، هخامنشی، شاهان محلی پارس و بالاخص ساسانی به چشم می‌خورند که بخش مهمی از آن‌ها بیانگر مراسم دینی و آئینی است. در دوران اسلامی به سبب پرهیز از نمایش تصویر انسان، این هنر جبراً به دست فراموشی سپرده شد، البته در زمان قاجار تقلید

فرضیه

سنگ‌نگاره «پیشو» نقش اناهیتا ایزدبانوی آب‌هاست.

اهمیت دریاچه پریشان

از آنجا که ایجاد و خلق نقش برجسته «پیشو»^۱ در رابطه با دریاچه پریشان است، به شرح مختصر موقعیت دریاچه می‌پردازیم: بزرگ‌ترین دریاچه آب شیرین ایران، در بخش حیره و بالاده شهرستان کازرون قرار گرفته، مساحت آن ۴۳۰۰ هکتار و ارتفاع آن از سطح آب‌های آزاد ۸۲۰ متر است، حوزه آبریز آن ۲۶۶/۵ کیلومتر مربع است و بیشترین مساحت را در اردیبهشت‌ماه دارد. این دریاچه در کنوانسیون جهانی «رامسر»^۲ به عنوان تالاب بین‌المللی ثبت شده و دریغا که امروز بخش اعظم این تالاب به صورت زمینی خشک به چشم می‌خورد. احداث جاده، حفر چاه‌های عمیق، بسته شدن اکثر سرچشمه‌های ورودی تالاب و بهره‌برداری نابجا و به آتش کشیدن بخش وسیعی از نیزارهای آن توسط افراد سودجو و بی‌مسئولیت و خشک‌سالی‌های اخیر از عوامل مهم خشک شدن این دریاچه محسوب می‌شود. دریاچه پریشان به نام‌های پریشان، کازرون، بریشم، توز، فرشویه، فامور، مور و ... نامیده می‌شود. تالاب پریشان محل زندگی انواع ماهی‌ها از جمله: سرخه، پرک، مارماهی، آب شیرین، زردک، امور ... و جایگاه زاد و ولد پرندگانی مانند حواصیل، انواع اردک، پلیکان، غاز و پرندگان دیگر است. بر اثر سوزاندن بخش بزرگی از نیزارهای اطراف آن به علت عملیات راه‌سازی، پوشش گیاهی آن در معرض نابودی قرار گرفته که در این روند هزاران قطعه لاک‌پشت و پرندگان گوناگون از بین رفته‌اند.

این دریاچه به واسطه شیرین بودن آب و موقعیت زیبای طبیعی و داشتن منابع غذایی از قدیم‌الایام دارای اهمیتی خاص بوده و برخی از نویسندگان، مورخین و جغرافیدان‌های مشهور ایرانی در نوشته‌های خود به آن اشاره نموده‌اند.

احمد مقدسی جغرافیدان قرن چهارم هجری در کتاب «احسن

التقاسیم فی معرفه الاقاسیم» می‌گوید: «دریاچه کازرون دو فرسنگ است ... و شاخه‌ها دارد و شکارگاه^۳ است و فرآورده‌های دیگر دارد.» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۶۴) و ابو اسحق ابراهیم استخری در کتاب «مالک و ممالک» نوشته است: «بَخیره^۴ تَوَز نزدیک کازرون است در کوره^۵ شاپور درازی آن تعداد ده فرسنگ بود تا نزدیک مورق ... و در او صید بسیار باشد.» (استخری، ۱۳۴۰: ۱۰۹). فرصت شیرازی مورخ، باستان‌شناس و شاعر مشهور دوران قاجاریه نام این دریاچه را فرشویه یا بریشم ذکر نموده: «دو فرسنگ مانده به کازرون پلی است مُسمی به پل آبگینه. این پل نیز از بناهای حاجی مشیرالملک است و در حوالی آن، بیشه مانند و نی‌زاری است که منتهی می‌شود به دریاچه فرشویه که به بریشم معروف است و ماهی آن به نراکت و لطافت موصوف است» (حسینی شیرازی، ۱۳۱۴: ۲۷۸).

نقش برجسته پیشو (پریشان) در دامنه کوه نبک ۱۷ کیلومتری شهر کازرون و در فاصله سی متری ساحل شمال غرب دریاچه پریشان و در ارتفاع هفت متر از سطح زمین‌های مجاور بر بدنه کوه نقش شده است. این نگاره در طول زمان بر اثر فرسایش عواملی جدی و طبیعی و تخریب بخشی از آن توسط افراد سودجو و ناآگاه در سنوات اخیر به شدت آسیب دیده، در حال حاضر بخش برجای‌مانده نیم‌تنه بانویی را نشان می‌دهد که با توجه به شیوه ایجاد آن، مشخصه یک نقش برجسته دوران ساسانی است (تصویر ۱).

می‌توان دریافت که قسمت‌هایی از نگاره که از آن جدا شده و در پائین آن افتاده، بر اثر ضربات پُتک و چکش در زمانی نه‌چندان دور تخریب شده، دورنگ بودن سنگ‌ها و اثر ضربات مؤید این نظریه است. بدین‌گونه نقش در ناحیه صورت، پاها و دست چپ به شدت آسیب دیده^۶ و تخریب شده است.

پیشینه تحقیق

پیشو نقش نویافته‌ای است که برای نخستین بار در سال ۸۳



تصویر ۱. سنگ نگاره ایزدبانوی اب ها - اناهیتا، برسینه کوه، حوالی دریاچه پریشو-فارس. مأخذ: <http://www.mehrnews.com>

ساسانی و حتی ایلامی باشد که بررسی و پژوهش بیشتر روی آن، این نکته را روشن خواهد کرد» (امرداد، ۱۳۹۳/۰۴/۰۲).

انگیزه و زمان پیدایش نقش پریشو

از آنجاکه تاکنون به علل ایجاد این نگاره در جایی اشاره نشده در این نامه به بررسی زمان پیدایش و انگیزه ایجاد این اثر می‌پردازیم: سنگ‌نگاره پریشو از لحاظ هنری هیچ‌گونه شباهتی به نگارنده‌های دوران ایلامی، هخامنشی و اشکانی ندارد، در دوران اسلام نیز ایجاد نقوش انسانی و تصاویر بانوان منع شده، اما با توجه به مقایسه سبک این نگاره با نقوش ساسانی بر روی صخره‌ها، ظروف، مهرها و سکه‌ها می‌توان دریافت که نقش برجسته پریشو مربوط به اوایل فرمانروایی ساسانیان است. از آنجاکه سنگ‌نگاره‌های ساسانی براساس اهداف معینی ساخته شده‌اند، بررسی آن‌ها این امکان را به دست می‌دهد تا درباره علل پیدایش و اندیشه‌ای که در خلق آن‌ها مؤثر بوده داوری نموده و در نهایت نظریه خود را در مورد نگارنده پریشو متقن و مستدل نماییم. با پذیرش این مسئله که نقش پریشو مربوط به دوره ساسانی است، می‌توان علل ایجاد آن را در رابطه با این مکان و دریاچه از دو دیدگاه متفاوت مورد توجه و بررسی قرار داد:

۱- خلق این اثر در رابطه با استودان‌های ساسانی

در ناحیه کازرون و حوالی دریاچه پریشان تعداد زیادی استودان^۸ وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها در حوالی دریاچه پریشان و بنام «کازرون» نام‌گذاری شده است (نصرالله زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۵). این استودان‌ها بدون نقش و تصویر بوده، اما اغلب دارای نوشته و تاریخ هستند که بر اساس آن متون، متعلق به زرتشتیانی است که در دوران اسلام و قرون اولیه هجری می‌زیسته و با آداب دینی آباء و اجدادی خود، مراسم تدفین آن‌ها انجام شده است، بنابراین ایجاد نقش مورد بحث در ارتباط با استودان‌ها نبوده زیرا هیچ‌یک

توسط استاد عمادالدین شیخ‌الحکمایی مشاهده و گزارش شد. این نقش در نیمه شمال غرب دریاچه پریشان و در سینۀ سنگی نقش بسته و فاصله آن تا بالاترین سطح آب در زمان پرآبی دریاچه، کمتر از ۳۰ متر است؛ نقش بانویی را نشان می‌دهد با لباسی که در قسمت بالاتنه پوشیده شده، دامنی به پا دارد و دست خود را تا امتداد سر بالا آورده و سر را به سمت چپ چرخانده و به قسمتی از کوه خیره شده است. بر اساس نظر باستان‌شناسانی که از این نقش برجسته دیدن کرده‌اند، این اثر مربوط به اوایل دوران ساسانی است (روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۸/۰۶/۲۲: ۷). این نقش برجسته در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۱ به شماره ۲۷۵۸۵ در فهرست آثار ملی ثبت شد. نقش برجسته تاریخی و پرارزش «پریشو»، از معدود نمونه‌های نقش برجسته زن ایران باستان است که در فقدان امنیت و بدون کوچک‌ترین حفاظت فیزیکی به حال خود رها شده بود (روزنامه بهار، ۱۳۹۲/۰۱/۲۹). میلاد وندایی، باستان‌شناس که از نزدیک این نگارنده را دیده است درباره دشواری‌ها و شناخت این یادمان می‌گوید: «سنگ‌نگاره پریشو، یکی از یادمان‌های وابسته (مربوط) به پیش از اسلام در ایران است. این سنگ‌نگاره بنا به شوندهایی (دلایلی) نمی‌تواند ساسانی باشد، از جمله سبک پوشش و پوشاک بانوی موجود در این نگاره که با سبک‌شناسی پوشاک بانوان زمان ساسانی متفاوت است. از سویی تاکنون هیچ سنگ‌نگاره تکی از زن در زمان ساسانی به دست نیامده است. دیگر آن‌که از نگاه فرهنگی در این دوره، کَنده‌کاری (حجاری) چنین نگاره‌ای، در ردیف گرانیماها (نوادر) است و روی نمی‌دهد. دکتر علی‌رضا جعفری زند، باستان‌شناس نیز می‌گوید: «با توجه به فرتورهای (عکس‌های) دقیقی که از این یادمان دیده‌ام این سنگ‌نگاره، نگاره مرد ساسانی است و وابسته به یکی از شاهزاده‌های بومی (محلی) است». پیش‌تر نیز سیامک علی زاده، دکترای مرمت آثار، بناها و اشیا درباره شناخت این یادمان ملی به امرداد گفته بود: «این سنگ‌نگاره به شوند هیکل زُمخت آن می‌تواند مرد باشد و شاید

کتیبه‌های این فرمانروا آمده است، آنچه در این کتیبه‌ها جلب نظر می‌کند این است که نام اناهیتا بلافاصله پس از اهورامزدا و پیش از مهر (میترا) ذکر شده که نشانه پایگاه بلند این ایزدبانو در آن دوره است.

در زمان اشکانیان که دارای حکومت فدرال و خودگردان بودند و آزادی مذهب یکی از اصول اولیه فرمانروایی آن‌ها محسوب می‌شد، در کنار سایر باورها و اندیشه‌های دینی ستایش و تقدیس اناهیتا رایج بود.

پولی‌بیوس مورخ مشهور یونانی که در قرن دوم پیش از میلاد می‌زیسته در مورد شکوه و عظمت معبد اناهیتا در شهر اکباتان (همدان) در کتاب خود به تفصیل سخن رانده و می‌گوید: حتی ستون‌های پرستشگاه با صفحاتی از طلا پوشیده شده بود، همچنین مورخ رومی پلی‌بیوس که در سال ۷۹ میلادی در گذشته، در عظمت معبد ناهید شوش سخن می‌راند و نوشته بود که در این معبد، مجسمه بسیار بزرگ اناهیتا را که از طلا ساخته بودند بر پا بود که در جنگ بین سردار رومی آنتوان با فرهاد چهارم پادشاه اشکانی (۳۱ ق.م - ۲ م.) توسط رومیان به غارت رفت (پوردوود، ۱۳۵۶ : ۱۷۱-۱۶۹). از مجموعه چنین اخباری می‌توان دریافت که در زمان اشکانیان نیز این الهه مورد تقدیس، تکریم و ستایش بوده است.

با روی کار آمدن ساسانیان بر اهمیت الهه آب‌ها افزوده شد. ساسانیان از خاندان روحانی بوده و پاک پدر اردشیر و نیای او ساسان، رئیس معبد اناهیتای استخر بودند، آن‌ها علاوه بر مقام فرمانروایی، ریاست و سرپرستی امور مذهبی را نیز بر عهده

از آن‌ها دارای نقش نیستند، مضافاً که تصویرسازی در سال‌های اولیه اسلام مرسوم نبوده است.

۲- ایجاد این نقش در ارتباط با دریاچه پریشان

با رد احتمال اول می‌توان ایجاد این نگارکنده و نقش زن را در رابطه با دریاچه، تقدیس آب و متعلق به الهه آب‌ها اناهیتا و مربوط به اوایل دوران ساسانی دانست.

مظهر تقدس آب در زمان ساسانیان اناهیتا ایزد بانوی ایرانی و یکی از مادر خدایانی است که تندیس‌هایی از او در گوشه و کنار ایران برجای مانده است. این ایزد بانو نه تنها در سرزمین ایران بلکه در بسیاری از نقاط جهان باستان مورد توجه و ستایش بوده و از چنان اهمیت و اعتباری برخوردار بود که یشت پنجم از کتاب مقدس و کهن اوستا (آبان یشت) به ستایش مقام بلند اناهیتا اختصاص دارد. «اوست آن نیرومند، درخشان، بلند بالای خوش اندامی که بسان آبی جوشان و خروشان به فراوانی همه آب‌های روی زمین روان است.» (دوستخواه، ۱۳۵۵ : ۱۴۱)

شواهد بسیاری نیز در دست است که پیش از ساسانیان و طی دوران بسیار کهن همواره مادر خدایان در ایران و سایر نقاط گیتی حضور جدی، مهم و نقشی فعال و حیاتی در زندگی بشر داشته‌اند.

پیشینه اناهیتا پرستی

در زمان هخامنشیان، ستایش این ایزدبانو بسیار رواج داشت مخصوصاً در زمان اردشیر دوم هخامنشی (۴۰۴-۳۶۱ پ.م.) توجه به این الهه به اوج خود رسید. نام اناهیتا برای نخستین بار در



تصویر ۲. سکه یزدگرد سوم، آخرین شاه ساسانی، ضرب شهر استخر. مأخذ: <https://finds.org.uk/medievalcoins>



تصویر ۴. سنگ‌نگاره دریافت نشان برکت از اناهیتا- شاپور اول، تنگ قندیل.
مأخذ: www.kherada.com/Hplace.aspx



تصویر ۳. معبد اناهیتا، بیشاپور، فارس. مأخذ: www.flickr.com

را بنا کرد و آن را به پایتختی برگزید و معبد بزرگ و مجلل اناهیتا را در آن شهر ایجاد نمود (تصویر ۳). این امر بیانگر اهمیت پرستش ناهید در دوران ساسانی است. هم‌زمان با بنای معبد ناهید بیشاپور به فرمان شاپور نقش برجسته‌ای در ناحیه تنگ قندیل در حوالی شهر بیشاپور ساخته شد که در آن الهه اناهیتا و شاپور و هرمز فرزند محبوب و جانشین او به تصویر کشیده شده‌اند. در این نقش شاه در مرکز تصویر قرار گرفته و دست چپ را به نشانه احترام بر قبضه شمشیر بلندی که به کمرش بسته قرار داده و با دست راست گلی را از ایزد بانوی آب‌ها به نشانه برکت و فرمانروایی دریافت می‌کند. این گل نیلوفر آبی است که در ارتباط با آب و نشانه زایش و فراوانی است (تصویر ۴) (اورزمانی و جوادی، ۱۳۸۸: ۴۹).

داشتند. به گفته ابن اثیر: «ساسان جد ساسانیان مقیم آتشکده‌ای در استخر بود که آن را آتشکده ناهید می‌نامیدند، چون بابک در خانه او متولد و بزرگ شد پس از پدر جوابگوی مراجعات مردم شد.» (ابن اثیر، ۱۳۶۵: ۵۴). به نظر می‌رسد در نخستین سال‌های تشکیل امپراطوری ساسانی، ناهیدپرستی به سبب سنت‌های محکم و دیرین این آئین در سرزمین پارس، نیرومند و مورد توجه عام مردم بود و معبد اناهیتای استخر که جد و پدر اردشیر به ترتیب متولیان آن بودند مقدس‌ترین و بزرگ‌ترین معبد اناهیتا در سرزمین پارس و سراسر ایران بود، زیرا شاهان این سلسله تا زمان شهریاری یزدگرد سوم (۶۵۱-۶۳۲ م.) آخرین فرمانروای ساسانی در این معبد تاج‌گذاری نموده و سپس در سکه‌خانه استخر به ضرب می‌پرداختند (تصویر ۲). پس از اردشیر بنیان‌گذار این سلسله (۲۴۱-۲۲۴ م.) پسرش شاپور (۲۷۲-۲۴۱ م.) شهر بیشاپور

نتیجه‌گیری

در بین نقوش صخره‌ای مکشوفه از دوره ساسانی نقش‌های پریشو و گوپیوم (تصویر بهرام دوم در حال نیایش) به صورت انفرادی و دارای جنبه قوی است.

امروز نام پریشان برای این نگاره رسمی، با مسمی به نظر می‌رسد، نگاره‌ای با دست و پای شکسته و صورتی مجروح و تنی غبارآلود در برابر دریاچه‌ای خشک با نیزارهای سوخته! احتمالاً زمانی در مقابل این تندیس، مراسم باشکوهی اجرا می‌شد و ساکنان این ناحیه از او برای بقاء و پر آب بودن دریاچه یاری می‌طلبیدند، با نثار نذورات جشن و شادی بر پای می‌داشتند و حال، پریشانی این نقش کهن فراموش شده سخن خواجه شیراز را در ذهن تداعی می‌کند که:

زهره سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت

کس ندارد ذوق مستی، میگساران را چه شد

بیشتر سنگ‌نگاره‌های ساسانی در کنار چشمه، رودخانه و دریاچه بر پا شده که بیانگر اهمیت آب و تقدیس آن در دین و آئین ساسانیان است. نقش برجسته «پریشو» نیز نقشی از فرشته و مالک آب‌ها اناهیتاست^۹ که به احتمال زیاد این نقش در زمان اردشیر و یا شاپور فرزند او ساخته شده و هم‌زمان با احداث معبد اناهیتای بیشاپور و نقش تنگ قندیل شکل گرفته که به خواست مردم محلی برای برکت بخشیدن به دریاچه و نجات آن از خشک‌سالی ساخته شده است. توجیه اینکه چرا در کنار دریاچه‌های دیگر این ناحیه، نقش اناهیتا ایجاد نشده شاید به جهت اهمیت و شیرین بودن آب دریاچه پریشان به عنوان بزرگترین دریاچه آب شیرین ناحیه پارس و ایران باشد. این نقش از معدود سنگ‌نگاره‌هایی است که به شکل منفرد از فرشته آب‌ها به تصویر کشیده شده است.

پی‌نوشت

۱. «پریشو» تلفظ محلی واژه «پریشان» است.
۲. کنوانسیون رامسر یکی از مهم‌ترین معاهدات بین‌المللی و تأکید بر حفاظت از محیط زیست و طبیعت در جهان است که در دوم فوریه ۱۹۷۱ با عضویت ۱۵۸ کشور تشکیل شد.
۳. معابد اناهیتا معمولاً در جوار رودخانه، چشمه و دریاچه و آبگیرها با نیزار و انواع پرندگان و حیوانات بوده است. برخی از این اماکن شکارگاه شاهان ساسانی بوده است. همچون تاق بستان، معبد کنگاور و آتشکده ری.
۴. به معنی دریاچه.
۵. به معنی استان.
۶. پریشم به معنای ابریشم یکی از چند نام دریاچه کازرون است، این نام در گذشته به این تالاب داده شده، در سال ۱۳۷۲ که برای شرکت در کنگره باستان‌شناسی بیشاپور به کازرون رفته بودم، در بازدید سحرگاهی از این دریاچه که در آن زمان پر آب بود، با همراهان سوار قایق شدیم، تابش نور خورشید بر سطح آب به رشته‌های ابریشم طلایی و نقره‌ای می‌ماند که به طرز باشکوهی چشم‌ها را خیره می‌کرد، احتمالاً پیشینیان با دیدن این مناظر و با این برداشت نام دریاچه را پریشم نامیده بودند.
۷. پیش از این نیز نقش شاپور اول ساسانی و اناهیتا در تنگ قندیل که در چند کیلومتری این نقش قرار دارد و همچنین نقش بهرام دوم ساسانی در شهر باستانی بیشاپور (تنگ چوگان) توسط افراد سودجو و ناآگاه دچار تخریب و گزند شده است (به نقل از روزنامه همشهری، ۱۳۹۱، ۵۸۱۹ : ۷).
۸. استودان، ظرف، گودال و یا چاهی که استخوان‌های مرده را پس از متلاشی شدن جسد، در آن ریزند، ظرف جای استخوان مرده، دخمه زرتشتیان (فروهوشی، ۱۳۵۲ : ۵۰).
۹. برخی از نقش‌های اناهیتا که باقی مانده با توصیفی که در آبان یشت از او آمده هماهنگ است، مانند نقش اناهیتا در نقش رستم و تاق بستان کرمانشاه و در سایر موارد گونه‌های دیگری از تصویر او را در نقش برجسته‌ها، ظروف و مهرهای ساسانی شاهد هستیم که نقش برجسته پریشو در گروه دوم قرار دارد.

فهرست منابع

- آورزمانی، فریدون. (۱۳۸۸). جایگاه زن در هنر ساسانی با تکیه بر نقش اناهیتا. تهران. مجله منظر. (۳) : ۵۷-۵۴.
- آورزمانی، فریدون و جوادی، شهره. (۱۳۸۸). سنگ‌نگاره‌های ساسانی. تهران : نشر بلخ.
- ابن اثیر. (۱۳۶۵). اخبار ایران. ترجمه باستانی پاریزی. تهران : دنیای کتاب.
- ابن حوقلی. (۱۳۴۵). صوره الارض. ترجمه : جعفر شعار. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ.
- استخری، ابواسحق ابراهیم. (۱۳۴۰). مسالک و ممالک. بکوشش ایرج افشار. تهران : ترجمه و نشر کتاب.
- جاهدی، لیلاد. (۱۳۹۳). گزارش کارگاه تپه میل آتشکده ری- معبد اناهیتا، سخنران : فریدون آورزمانی، مجله منظر، (۲۶) : ۳۱-۳۰.
- روزنامه اطلاعات. (۲۲ شهریور ۱۳۸۸). رد پای هزاران ساله انسان در دریاچه پریشان. شماره ۲۴۵۶۷.
- امرداد. (۱۳۹۳). مرگ گام به گام سنگ‌نگاره باستانی پریشو. قابل دسترس در :
http://amordadnews.net/neveshtehNamyesh.aspx?Nid=12277
- روزنامه بهار. (۲۹ فروردین ۱۳۹۲). روند تخریب آثار باستانی ایران شدت گرفته است.
- پورداود، ابراهیم. (۱۳۵۶). یشت‌ها، بکوشش بهرام فره‌وشی. تهران : انتشارات دانشگاه.
- حسینی شیرازی، فرصت. (۱۳۱۴ قمری). آثار عجم، مطبع ناصری.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۵۵). اوستا. تهران : انتشارات مروارید.
- رضی، هاشم. (۱۳۴۶). فرهنگ نام‌های اوستا، (ج ۱). تهران، انتشارات فروهر.
- فره‌وشی، بهرام. (۱۳۵۲). فرهنگ فارسی به پهلوی، انجمن آثار ملی، تهران.
- گویری، سوزان. (۱۳۷۲). اناهیتا در استوره‌های ایرانی. تهران، انتشارات جمال الحق.
- مقدسی، احمد. (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. ترجمه : علی نقی منزوی. تهران : شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- نصرالله‌زاده، سیروس. (۱۳۸۵). کتیبه‌های پهلوی کازرون. تهران: کازرونیه.